

## بازگشت از ایجاب در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا

حبیب طالب احمدی\*

### چکیده

ایجاب ممکن است مؤثر یا غیرمؤثر باشد. اگر با پذیرش ایجاب، قراردادی تشکیل شود، ایجاب را مؤثر می‌نامند. در غیر این صورت، ایجاب مؤثر نیست. ایجاب‌کننده می‌تواند از ایجاب خود، اعم از مؤثر یا غیرمؤثر بازگردد. بازگشت از ایجاب مؤثر را «رجوع از ایجاب» و بازگشت از ایجاب غیرمؤثر را «انصراف از ایجاب» می‌نامند. موارد یادشده به صراحت در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا آمده است، ولی تقسیم ایجاب به مؤثر و غیرمؤثر در حقوق ایران به وضوح دیده نمی‌شود. بنابراین تفاوت رجوع از ایجاب و انصراف از آن نیز در حقوق ما ناشناخته است. این مقاله به مطالعه تطبیقی مفهوم دقیق انصراف و رجوع از ایجاب در کنوانسیون یادشده و حقوق ایران می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: ایجاب مؤثر، ایجاب غیرمؤثر، بازگشت از ایجاب، رجوع از ایجاب، انصراف از ایجاب.

### ۱. مقدمه

قرارداد با اراده دو طرف بسته می‌شود. نخستین اراده‌ای که طی آن، پیشنهاد انجام معامله به دیگری ارائه می‌شود «ایجاب» نام دارد. اگر ایجاب، بدون قید و شرط، مورد قبول قرار بگیرد، قرارداد تشکیل می‌شود. بنا بر اصل لزوم و لازم‌الایتناع بودن قراردادهای که هر دو در ماده ۲۱۹ قانون مدنی پیش‌بینی شده است، هیچ‌یک از دو طرف یا قائم‌مقام ایشان نمی‌توانند به دلخواه از قرارداد تشکیل شده، بازگشته یا با بقای آن از اجرای مفاد قرارداد خودداری کنند. مطابق ماده مزبور «عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد، بین متعاملین و قائم‌مقام آن‌ها لازم‌الایتناع است مگر اینکه به رضای طرفین اقاله یا به علت قانونی فسخ شود».

در فقه امامیه و به پیروی از آن در حقوق ایران، دلیلی بر اعتبار ایجاب ملزم وجود ندارد. (فتاوی، ۱۳۸۶: ۱۵۷) شخصی که ایجاب را انشا کرده، پیش از قبول و تشکیل قرارداد، می‌تواند پیشنهاد خود را پس بگیرد. انشای ایجاب به تنهایی التزام‌نگهداری از آن به وجود نمی‌آورد. بازگشت در این هنگام را رجوع از ایجاب می‌نامند. در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا<sup>۱</sup>، علاوه بر رجوع، انصراف از ایجاب نیز پیش‌بینی شده است. انصراف از ایجاب، هنگامی مصداق پیدا می‌کند که ایجاب، مؤثر نگردیده باشد. بنابراین از دیدگاه کنوانسیون یادشده بازگشت از ایجاب مؤثر را «رجوع» و بازگشت از ایجاب غیر مؤثر را «انصراف» از ایجاب می‌گویند.

هرچند رجوع از ایجاب در حقوق ایران شناخته شده، ولی انصراف از ایجاب در حقوق ما ناآشنا است. دلیل آن را می‌توان در عدم شناسایی تقسیم ایجاب به مؤثر و غیر مؤثر دانست. بنابراین ضرورت دارد پس از آشنایی با مفهوم ایجاب در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، تقسیم ایجاب به مؤثر و غیرمؤثر مطالعه شود. به دنبال آن، بازگشت از ایجاب مؤثر و غیرمؤثر، تحت عناوین رجوع و انصراف از ایجاب در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و جایگاه آن در حقوق ایران مورد تحقیق قرار گیرد.

## ۲. تعریف ایجاب

در قانون مدنی ایران، قواعد عمومی قراردادها از ماده ۱۸۳ با تعریف عقد آغاز می‌شود و با اینکه کلمه «ایجاب» در مواد قانون یادشده آمده (قاسمی، ۱۳۸۷: ۷۷) ولی قانونگذار هیچ‌گاه تعریف مستقلی از آن به عمل نیاورده است. مقررات بیع نیز با تعریف آن شروع می‌شود. شاید این نقیصه را در باب عقود معین بتوان چنین توجیه کرد که قانونگذار در مقام تعریف هر عقد معمولاً به بیان ایجاب آن پرداخته و تعریف مستقل ایجاب آن عقد را چنان‌که در برخی کتب فقهی دیده می‌شود ضروری ندانسته است. برای مثال ماده ۳۳۸ قانون مدنی در تعریف بیع مقرر می‌دارد «بیع عبارت است از تملیک عین به عوض معلوم». برخی این تعریف را ناظر بر بیع نظری در برابر بیع عملی می‌دانند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲: ۴۱) ولی به هر حال واضح است که تملیک عین به عوض معلوم، انشای بایع بوده و برخلاف ظاهر، بعید به نظر می‌رسد قانونگذار در ماده مزبور درصدد تعریف بیع مقابل اشترا باشد؛ زیرا تعریف اشترا نیز به عنوان قبول بیع لازم می‌گردد. لذا ایجاب عقد بیع در مقام تعریف آن ملحوظ است. اساتید حقوق مدنی با خلأ قانونی، ایجاب را پیشنهاد انجام معامله معرفی می‌کنند به نحوی که اگر مورد قبول قرار گیرد هر دو طرف به مفاد آن پای بند باشند. (کاتوزیان، ۱۳۶۴: ۲۹۲)

برخلاف روش قانون یادشده، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در نخستین ماده مربوط به فصل دوم، تحت عنوان «تشکیل قرارداد»<sup>۲</sup> ایجاب را تعریف می‌کند. برخی این تعریف را ویژه بیع ندانسته و معتقدند در سایر معاملات تجاری بین‌المللی نیز قابل استفاده است؛ زیرا در فصل دوم کنوانسیون مزبور، یعنی از ماده ۱۴ لغایت ۲۴ نامی از بیع برده نشده تا مقررات مزبور تنها بر آن عقد صادق باشد. (صفایی و دیگران، ۱۳۸۴: ۵۵) در نقد این دیدگاه می‌توان گفت تمام مقررات کنوانسیون در مورد بیع بین‌المللی کالا است که شامل فصل دوم آن نیز می‌شود.

مطابق با ماده ۱۴ کنوانسیون مزبور «(۱) پیشنهاد انعقاد قرارداد، خطاب به یک یا چند شخص معین در صورتی ایجاب محسوب می‌شود که به اندازه کافی مشخص و نشانگر قصد التزام پیشنهاد دهنده در صورت قبول طرف مقابل باشد. پیشنهاد در صورتی

به اندازه کافی مشخص است که کالا را مشخص نموده و به نحو صریح یا ضمنی مقدار و ثمن را معین یا ضوابطی جهت تعیین آن دو مقرر نماید. (۲) پیشنهاد را غیر از آنچه خطاب به یک یا چند شخص معین است باید صرفاً دعوت برای ایجاب محسوب کرد، مگر اینکه خلاف آن به وضوح توسط کسی که آن پیشنهاد را می‌دهد اعلام شده باشد.<sup>۳</sup> با توجه به ماده مزبور، هر پیشنهادی را نمی‌توان ایجاب شمرد. (صفایی و دیگران، ۱۳۸۴: ۵۶) از دیدگاه کنوانسیون یادشده، پیشنهاد انجام معامله<sup>۴</sup> برای قابل قبول گردیدن حداقل باید دارای سه شرط مخاطب خاص، قصد التزام و قاطع باشد. (Lookofsky, 2012: 63) هر پیشنهادی با وجود شرایط مزبور ایجاب<sup>۵</sup> خوانده می‌شود. (الف) پیشنهاد باید مخاطب خاص داشته باشد. لذا چنان‌که در بند دوم همان ماده آمده است اگر پیشنهادی خطاب به عموم باشد ایجاب نبوده و دعوت برای ایجاب شمرده می‌شود، مگر اینکه گوینده، خلاف آن را به روشنی تصریح کند. (Schlechtriem, 1986: 50) این بند متضمن شرط نوینی نیست بلکه تأکیدی بر بند پیشین همان ماده ۱۴ کنوانسیون است. (Lookofsky, 2012: 65) لازم به یادآوری است پیشنهاد هنگامی خاص است که معلوم باشد برای چه شخص یا اشخاصی فرستاده شده، ولی تعداد ایشان مهم نیست. بنابراین ارسال پیشنهاد به نشانی هزاران نفر نیز خاص است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴: ۱۹۳)

شبهه رویکرد بالا در فقه نیز دیده می‌شود. (قنواتی و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۷) اما نظام‌های حقوقی در اعتبار ایجاب عام، دیدگاه یکسانی ندارند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴: ۱۹۸) برای مثال در حقوق انگلیس، ایجاب خطاب به همه افراد دنیا پذیرفته شده است چنان‌که در دعوی کارلیل<sup>۶</sup> به سال ۱۸۹۳ دادگاه مقرر داشت که آگهی منتشره یک ایجاب بوده که توسط خواهان مورد پذیرش قرار گرفته است. (داکسبری، ۱۳۷۷: ۲۱)

در حقوق ایران، ایجاب را به عام و خاص تقسیم می‌کنند. (شهیدی، ۱۳۷۷: ۱۵۷) برخلاف تردیدهای فقهی که در اعتبار ایجاب عام وجود دارد (قنواتی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۳) برای اینکه پیشنهادی ایجاب شمرده شود، لازم نیست مخاطب خاص داشته باشد. (اسماعیلی، ۱۳۷۷: ۷۵) پس اگر ایجابی خطاب به عموم انشا شود، هر کسی می‌تواند آن

را قبول کند و قرارداد با او تشکیل می‌شود. در حقوق مدنی فرانسه، انتخاب قبول از میان طرف‌های قبول به اختیار ایجاب‌کننده است (امیری قائم‌مقامی، ۱۳۷۸: ۲۲۳) ولی در حقوق ما اگر چنین پیشنهادی مورد قبول چند شخص قرار گیرد، قرارداد با آن‌که زودتر قبولی گفته بسته می‌شود. (کاتوزیان، ۱۳۶۴: ۲۹۵) در صورتی که قبولی‌ها هم‌زمان باشند ترجیح هرکدام بر دیگری، ترجیح بلامرجح بوده و قراردادی شکل نمی‌گیرد.

ب) پیشنهاد باید بر قصد التزام پیشنهاد دهنده به مفاد پیشنهاد خود، در صورت قبول بی‌قید و شرط طرف مقابل، دلالت داشته باشد. متن کنوانسیون، واژه‌ها و اصطلاحاتی را که دلالت بر اعلام قصد التزام می‌کند تشریح نکرده است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴: ۱۹۵) به این منظور پیشنهاد باید با این نیت ابراز شود که اگر مورد پذیرش مخاطب قرار گرفت، سبب تشکیل عقد شده و برای هر دو طرف، حکم قانون را داشته، لازم‌الاتباع باشد. (کاتوزیان، ۱۳۶۴: ۲۹۲) برخی از نویسندگان حقوقی این شرط ایجاب را تحت عنوان «اناطه رضای ایجاب‌کننده بر رضای قبول‌کننده» مطالعه نموده‌اند و آن را به اناطه متقابل و غیرمتقابل بخش می‌کنند. در اناطه متقابل، قبول‌کننده نیز به‌طور ضمنی، اناطه ای شبیه به اناطه ایجاب‌کننده دارد، ولی در اناطه غیرمتقابل، قبول‌کننده چنین قصدی ندارد. اناطه در ایجاب بیع از قسم نخست است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰: ۵۰ و ۸۴)

پیشنهادی که در آن قصد التزام معلق بر پذیرش دیگری نباشد ایجاب نبوده و بسته به مورد ممکن است دعوت برای معامله یا عنوان دیگری داشته باشد. از همین رو پیشنهاد قرارداد که دعوت برای قرارداد است ایجاب شمرده نمی‌شود (شهیدی، ۱۳۷۷: ۱۵۲).

وضعیت چنین شرطی برای ایجاب در حقوق ایران به مانند کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا است؛ زیرا ایجاب‌کننده نمی‌خواهد بدون پذیرش مخاطب، اثر حقوقی ایجاد شود. (قنواتی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۰) اگر شخصی بخواهد به تنهایی اثر حقوقی به وجود آورد، در گستره ایقاعات مطالعه می‌شود، چنان‌که تفاوت اذن با وکالت نیز در همین نکته نهفته است:

هرچند اثر مستقیم عقد وکالت، ایجاد اذن است (کاتوزیان، ۱۳۶۴: ۱۱۱) ولی اذن در خروج از حد فضولی بودن و نفوذ تصرفات به منزله توکیل است. (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۶: ۳۳۳) کسی که اذن می‌دهد، تنها با اراده خود دیگری را مأذون می‌کند. اما در

اعطای وکالت، برخلاف دیدگاه فقیهانی که معتقدند در عقود اذنی، قصد انشا وجود ندارد و اثر آن‌ها اباحه و اذن بر تصرف و نگهداری است و این اعمال حقوقی عقد نیستند (قنوتی و دیگران، ۱۳۷۹:۲۳۷)، موکل می‌خواهد با قبول وکیل، تفویض اختیار صورت بگیرد. قانون مدنی نیز برخلاف دیدگاه کسانی که وکالت را عقد واقعی نمی‌دانند (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۹:۱۱۷) و به پیروی از دیدگاه مشهور در ماده ۶۵۶ وکالت را از جمله عقود معین معرفی می‌کند.<sup>۷</sup> همچنین در ماده بعد از باب تأکید مقرر می‌دارد: «تحقق وکالت منوط به قبول وکیل است».

شرط جدی بودن ایجاب را که در آثار برخی از نویسندگان حقوقی به‌طور مستقل آمده است (امیری قائم‌مقامی، ۱۳۷۸:۲۱۸) می‌توان از وجود قصد التزام برداشت کرد. کسی که بر سبیل مزاح یا قول شرافتی و مانند آن پیشنهادی را مطرح می‌کند قصد التزام به مفاد گفته خود را حتی با پذیرش طرف دیگر ندارد. بنابراین چنین پیشنهادی ایجاب نیست. (ج) پیشنهادی ایجاب است که قطعی باشد. برخی قطعیت ایجاب را با منجز بودن آن یکی می‌دانند (قنوتی و دیگران، ۱۳۸۹:۱۲). گروهی نیز قاطع بودن ایجاب را با تأثیر آن یکسان پنداشته و معتقدند «ایجاب زمانی قاطع است که به صرف قبول آن، عقد منعقد شود». (کامیار، ۱۳۷۷:۵۸) ولی برای آنکه پیشنهادی قطعی شمرده شود باید معلوم و مشخص باشد تا پس از قبول، نیازمند گفتگوی بیشتر پیرامون مفاد قرارداد نباشد (طالب احمدی، ۱۳۹۲:۳۰) یا اختیاری برای گوینده ایجاب باقی نماند. (کاتوزیان، ۱۳۶۴:۲۹۴) کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در خصوص این شرط، تحت تأثیر رویه دادگاه‌های انگلیس قرار دارد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴:۱۹۴) و در صورتی پیشنهاد را مشخص می‌داند که کالا، مقدار و بهای آن معلوم یا معیاری برای تعیین آن، هرچند ضمنی، منظور شده باشد. (Lookofsky, 2012:63 و جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴:۲۰۵) در حقوق ما این ترتیب را با حذف قسمت اخیر آن، در شرایط مورد معامله بازگو می‌کنند، چنان‌که ماده ۱۹۰ قانون مدنی، معلوم و معین بودن مورد معامله را از شرایط اساسی صحت قرارداد شمرده و تفصیل آن در مواد ۲۱۴ تا ۲۱۶ همان قانون آمده است. همچنین شرایط قانونی مبیع را می‌توان در مواد ۳۴۸ تا ۳۶۱ قانون یادشده دید. بدیهی است مقدار، جنس و وصف مورد

معامله باید در ایجاب ابراز شود تا با قبول آن قرارداد شکل گیرد، مگر آنکه پیش‌تر، مبیع از روی نمونه یا مشاهده برای خریدار معلوم شده باشد. در این صورت نیز ایجاب بر معلوم انشا شده و واجد شرایط قبول است. برخی از اساتید حقوق مدنی ما کامل و مشخص بودن ایجاب را به عنوان دو ویژگی مستقل از قاطع بودن ایجاب آورده‌اند. (کاتوزیان، ۱۳۶۴: ۲۹۳) ایجاب وقتی کامل است که حاوی تمام عناصر اصلی قرارداد باشد (امیری قائم‌مقامی، ۱۳۷۸: ۲۱۶) و هنگامی مشخص است که نوع عقد و موضوع قرارداد در آن مبهم یا محل تردید بین دو چیز نباشد.

### ۳. تأثیر ایجاب

ایجاب ممکن است مؤثر یا غیرمؤثر باشد: اثر حقوقی ایجاب واجد شرایط آن است که اگر با قبول ترکیب شود ماهیت حقوقی قرارداد را ایجاد می‌کند. (شهیدی، ۱۳۷۷: ۱۵۳) بنابراین منظور از ایجاب مؤثر، پیشنهادی است که اگر مورد قبول قرار گیرد، سبب تشکیل عقد می‌شود و در مقابل، با پذیرش ایجاب غیرمؤثر، عقد تشکیل نمی‌شود. این تقسیم از ایجاب را می‌توان از بند یک ماده ۱۵ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا برداشت کرد که مقرر می‌نماید: «پیشنهاد هنگامی مؤثر می‌گردد که به مخاطب برسد».<sup>۸</sup> مفهوم این عبارت آن است که ایجاب پیش از رسیدن به مخاطب غیرمؤثر است. بنابراین ایجاب به مؤثر و غیرمؤثر تقسیم می‌شود.

برخی نویسندگان به جای «مؤثر» که برگردان Effective در متن کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا است از «نافذ» استفاده نموده‌اند (صفایی و دیگران، ۱۳۸۴: ۵۹) در حالی که نفوذ و تأثیر در ادبیات حقوقی ما دو بار حقوقی متفاوت دارند. بنابراین به کار بردن آن‌ها به جای یکدیگر صحیح به نظر نمی‌رسد. ایجابی که به درستی و از روی اختیار انشا شده، نیازمند تنفیذ نیست، ولی ممکن است بنا به دلایلی، قابل قبول نباشد. در این صورت، ایجاب نافذ و غیرمؤثر خواهد بود.

مؤثر بودن یا نبودن اراده انشایی با بود و نبود آن، دو موضوع متفاوت است. این تفاوت در مقررات ما نیز دیده می‌شود. برای نمونه ماده ۸۲۹ قانون مدنی مقرر داشته

«قبول موصی له قبل از فوت موصی مؤثر نیست». اگر بی‌اثر بودن قبول در عبارت قانونی مزبور به معنی نبود قبول تعبیر شود لازم می‌آید موصی له پس از فوت موصی، قبول دیگری انشا کند، ولی ماده ۸۳۰ همان قانون می‌گوید «اگر قبل از فوت، قبول کرده باشد بعد از فوت، قبول ثانوی لازم نیست». بنابراین قبول موصی له پیش از فوت موصی انشا شده، ولی تا زمان مرگ موصی تأثیر ندارد.<sup>۹</sup>

ایجاب می‌تواند همانند قبول، انشا شده، ولی غیر مؤثر باشد. مانند موردی که هنوز ایجاب به آگاهی مخاطب نرسیده یا پیشنهاد دهنده به اراده خود ایجاب را بی‌اثر یا هنگام تأثیر آن را معین می‌کند. ایجاب باید به منظور اعلام به مخاطب انشا شود (کاتوزیان، ۱۳۶۴: ۲۹۷) ولی ممکن است مخاطب به محض انشای ایجاب از آن آگاه نگردد. بنابراین قبول ایجاب، بدون آگاهی از وجود آن پذیرفته نیست و ایجاب در فاصله انشا تا آگاهی مخاطب از آن غیر مؤثر است. ماده ۹۱ قانون مدنی مصر درباره آن مقرر داشته: «بیان اراده از زمانی که به آگاهی طرف مورد نظر برسد مؤثر است و در صورتی که خلافش ثابت نشود او نسبت به بیان اراده از زمان وصول آگاه محسوب می‌شود» (نوری، ۱۳۸۸: ۳۲). همچنین اگر شخصی پیشنهاد خود را پس از سپری شدن مدتی، قابل قبول اعلام کند، پیش از رسیدن آن هنگام، با وجود اینکه ایجاب انشا شده، غیر مؤثر است. حتی اگر تعلیق را مختص به عقود و ایقاعات ندانیم و برخلاف دیدگاه مشهور، چنان‌که برخی از متأخران و معاصران در حالتی که اصل انشا منجز و منشأ معلق باشد ایجاب را معتبر می‌دانند (قنوتی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۲) و برخی شارحین کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا نیز ایجاب معلق را با داشتن سایر شرایط از نظر کنوانسیون مزبور قابل قبول ارزیابی می‌کنند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴: ۱۹۳)؛ قابل قبول گردیدن آن به وقوع رخدادی در آینده، ایرادی نخواهد داشت. در این صورت، پیش از حصول معلق علیه، ایجاب غیر مؤثر است. این فرض با انشای معلق قرارداد متفاوت است؛ زیرا در فرض اخیر، عقد انشا شده و تأثیر آن معلق است، در حالی که در فرض مورد نظر، تنها ایجاب انشا می‌شود. همچنین ایراد تعلیق در انشای ایجاب پذیرفته نیست؛ زیرا آنچه معلق شده، قابلیت قبول ایجاب منجز است.

به رغم توضیحات فوق و نظر به اینکه اصولاً در حقوق ما ایجابی که انشا شده، قابل



قبول شمرده می‌شود و تصور وجود فاصله زمانی میان انشای ایجاب تا قابل قبول گردیدن آن نادر است بنابراین موضوع مزبور به طور مستقل مطرح نشده و انشای ایجاب را با قابل قبول گردیدن آن هم‌زمان می‌دانند. اما فاصله‌دار بودن زمان ایجاب تا قبول ذیل عنوان عقود مکاتبه‌ای یا عقد غائبین در ادبیات حقوقی ما مورد مطالعه قرار گرفته است. (شهیدی، ۱۳۷۷:۱۳۵ و جعفری لنگرودی، ۱۳۶۹:۱۵۷ و امیری قائم‌مقامی، ۱۳۷۸:۲۳۹)

کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، نظریه وصول<sup>۱۱</sup> را برای تأثیر ایجاب معتبر می‌شناسد. از دیدگاه کنوانسیون یادشده، ایجابی که هنوز به مخاطب نرسیده باشد، غیرمؤثر است. منظور از رسیدن ایجاب به مخاطب در گفتگوهای شفاهی، فوری بوده و در عقود مکاتبه‌ای، هنگام تحویل مکتوب ایجاب به مخاطب یا محل تجارت او است. (Lookofsky, 2012: 65) بنابراین اگر ایجابی قبل از وصول، مورد قبول قرار گیرد، قراردادی تشکیل نمی‌شود. اگر امکان قبول در این مرحله وجود داشت، ایجاب‌کننده از حق انصراف خود محروم می‌گردد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴:۲۰۶) اما از هنگامی که ایجاب به مخاطب برسد، قابلیت قبول یافته و پذیرش آن، عقد را تشکیل می‌دهد. شایان یادآوری است که دیدگاه کنوانسیون یادشده در مورد تعیین هنگام تأثیر قبول به مانند ایجاب است. یعنی قبول نیز از هنگامی که به مخاطب برسد مؤثر می‌گردد. جمله نخست بند ۲ ماده ۱۸ کنوانسیون مقرر می‌دارد «قبول ایجاب از لحظه‌ای که اعلام رضا به ایجاب‌کننده می‌رسد مؤثر می‌گردد».<sup>۱۱</sup> البته برخی از اساتید حقوق مدنی ما از عبارت مزبور چنین برداشتی نداشته و معتقدند زمان تشکیل عقد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، زمان اطلاع ایجاب‌کننده از قبول مخاطب است و بند ۳ ماده ۱۸ را استثنایی می‌دانند (شهیدی، ۱۳۷۷:۲۲۶) اما چنین برداشتی با ماده ۲۴ آن کنوانسیون ناسازگار است. ماده مزبور در مقام بیان زمان رسیدن اعلام قصد، اعم از ایجاب بوده و تعریف آن در فهم ماده ۱۸ اهمیت دارد (Lookofsky, 2012: 77). طبق ماده ۲۴ «از نظر این قسمت از کنوانسیون، ایجاب، اعلام قبول یا هرگونه قرینه‌ای که حاکی از قصد باشد هنگامی به مخاطب می‌رسد که به طور شفاهی به وی گفته شود، یا به هر طریقه دیگری به شخص او، به محل تجارت یا نشانی پستی وی، یا در صورتی که محل تجارت یا نشانی پستی نداشته باشد، به محل سکونت معمولی او تحویل گردد».<sup>۱۲</sup>

به نظر می‌رسد در حقوق ایران، ایجاب از هنگام ارسال انشا شده و از زمان آگاهی مخاطب از مفاد آن مؤثر می‌گردد. اگر مخاطب ایجاب پس از ارسال آن به هر طریق از مفاد ایجاب اطلاع حاصل و مبادرت به قبول کند، قرارداد تشکیل می‌شود، هرچند نامه حاوی ایجاب هرگز به مقصد نرسد. اما اگر مخاطب، پیش از ارسال نامه به هر طریق ممکن از ایجاب آگاه شده و آن را بپذیرد، به دلیل مؤثر نبودن ایجاب، قراردادی تشکیل نمی‌شود. حال اگر زمان وصول ایجاب را در کنوانسیون بیع بین‌المللی، اماره بر آگاهی مخاطب از مفاد ایجاب بدانیم میان حقوق ما با آن اختلاف ماهوی وجود ندارد.

#### ۴. رجوع از ایجاب

قصد التزامی که در ایجاب وجود دارد دلالت بر غیرقابل بازگشت بودن آن ندارد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴:۱۹۶)، زیرا ایجاب‌کننده خود را ملتزم می‌کند تا در صورت قبول پیشنهاد از سوی مخاطب به مفاد آن پایبند باشد. بنابراین پیش از قبول، ایجاب‌کننده هیچ تعهد و التزامی نسبت به مفاد ایجابی که انشا کرده ندارد (شهیدی، ۱۳۷۷:۱۵۳) و می‌تواند از آن بازگردد. این نتیجه مورد قبول نویسندگانی نیز قرار گرفته است که تلاش دارند مشابه با حقوق فرانسه، ایجاب را تحت شرایطی در حقوق ایران اجباری شمارند. (امیری قائم‌مقامی، ۱۳۷۸:۲۲۱) لازم به یادآوری است که در حقوق فرانسه، ایجاب در هر زمانی پیش از قبول، قابل رجوع است و التزامی برای ایجاب‌کننده ایجاد نمی‌کند اما به مقتضای روابط کسب و کار، اختیار رجوع از ایجاب محدودیت‌هایی دارد. (Marsh, 1993:59) در حقوق انگلیس نیز رجوع از ایجاب، مشروط بر آنکه به مخاطب ایجاب اعلام شود پذیرفته شده است. (داکسبری، ۱۳۷۷:۳۵)

بر اساس اصل حاکمیت اراده و الزام‌آور نبودن اراده یک‌جانبه در حقوق ایران، قابل رجوع بودن ایجاب، پیش از قبول و تشکیل قرارداد، پذیرفته شده است؛ زیرا ایجاب مخلوق اراده ایجاب‌کننده بوده و او نخواسته خود را پیش از قبول به مفاد آن متعهد کند (صفایی، ۱۳۸۲:۶۹ و اسماعیلی، ۱۳۷۷:۷۵ و قنواتی، ۱۳۷۶:۱۵۷ و قنواتی و دیگران، ۱۳۸۹:۴۳) ولی در مقررات مربوط به قواعد عمومی قراردادها، همانند قانون مدنی

فرانسه، صراحت قانونی در این خصوص وجود ندارد و تنها در ذیل مقررات برخی عقود معین، رجوع از ایجاب دیده می‌شود. برای نمونه اگر به رغم اختلاف و بنا بر نظر مشهور، ماهیت وصیت تملیکی را عقد بدانیم که ایجاب آن را موصی و قبول آن را موصی له می‌گوید (طالب احمدی، ۱۳۹۰: ۱۱۱) طبق ماده ۸۳۸ قانون مدنی «موصی می‌تواند از وصیت خود رجوع کند». این رجوع می‌تواند پیش یا پس از قبول موصی له باشد؛ زیرا مطابق ماده ۸۲۹ قانون یادشده «قبول موصی له قبل از فوت موصی مؤثر نیست» و برخلاف دیدگاه برخی فقها که معتقدند اگر موصی له در زمان حیات موصی وصیت را قبول کرده باشد رد پس از مرگ او اثر ندارد (حسینی السیستانی، ۱۴۳۰: ۳۶۰) برابر ماده ۸۳۰ همان قانون «نسبت به موصی له رد یا قبول بعد از فوت موصی معتبر است».

دانشمندان در توجیه عدم تأثیر قبول در زمان حیات موصی یکسان نمی‌اندیشند: برخی معتقدند وصیت برای بعد از فوت موصی انشا می‌شود و در آن هنگام است که موصی به انتقال می‌یابد. بنابراین، جای طبیعی قبول موصی له بعد از فوت موصی است و پیش از آن طرحی متزلزل است که احتمال دارد هیچ‌گاه به تملک منتهی نشود. ایجاب موصی تملیک بعد از فوت است و لذا انشاء موصی پیش از مرگ او هیچ حقی برای موصی له به وجود نمی‌آورد. پس قبول در چنین مرحله‌ای به منزله این است که قبل از ایجاب واقع گردد. هرچند در پاسخ باید گفت آنچه معلق بر فوت است اثر ایجاب است. وجود ایجاب واقعی انکارناپذیر است و نباید قبول را پیش از ایجاب پنداشت. اما جمع عدم اعتقاد به تأثیر قبول در زمان حیات موصی با عدم نیاز به قبول مجدد موصی له پس از مرگ موصی از آن جهت است که دوام رضای موصی له تا بعد مرگ موصی استصحاب می‌شود (عدل، ۱۳۷۳: ۴۰۸ و کاتوزیان، ۱۳۶۳: ۶۴۴)، بنابراین علت عدم تأثیر قبول موصی له در هنگام حیات موصی، غیرمؤثر بودن ایجاب تا هنگام فوت او است. بر این اساس باید گفت مراد قانونگذار از واژه رجوع در ماده ۸۳۸ قانون مدنی همانا انصراف است؛ زیرا رجوع در بازگشت از ایجاب مؤثر به کار می‌رود.

در برخی از آثار حقوقی، ماده ۳۷۶ قانون تجارت را ناظر بر بیان آثار رجوع از ایجاب معرفی نمودند که فرع بر اصل قابل رجوع بودن ایجاب است (امیری قائم‌مقامی، ۱۳۷۸: ۲۵۱). ماده یادشده مقرر می‌دارد: «اگر آمر از امر خود رجوع کرده و

حق العمل کار قبل از ارسال خبر انجام معامله از این رجوع مستحضر گردد دیگر نمی تواند شخصاً خریدار یا فروشنده واقع شود». نظر به اینکه قرارداد حق العمل کاری، مشمول مقررات وکالت است<sup>۱۳</sup> و ایجاب وکالت می تواند به صورت امر از سوی موکل خطاب به وکیل ابراز شود (کاشانی، ۱۳۸۸: ۱۸۳). رجوع از «امر» نمونه قانونی دیگر رجوع از ایجاب در مقررات ما است. توضیح آنکه به طور معمول، قبول ایجاب در چنین مواردی با مبادرت به انجام مورد قرارداد محقق می شود<sup>۱۴</sup> و طبق ذیل ماده مزبور چون حق العمل کار هنوز خبر انجام معامله با خود را برای امر ارسال نکرده است لذا قرارداد حق العمل کاری شکل نگرفته و رجوع امر از ایجاب است. اما اگر تصور شود قرارداد حق العمل کاری تشکیل شده و پیش از انجام معامله، امر از قرارداد مزبور بازگشته است باید رجوع را به مفهوم فسخ قرارداد حق العمل کاری شمرد و در این صورت ارتباطی به رجوع از ایجاب ندارد.

رجوع از ایجاب ممکن است صریح یا ضمنی باشد (Schlechtriem, 1986: 53). در رجوع صریح، بازگشت از ایجاب، بی واسطه متعلق اراده قرار می گیرد، در حالی که در رجوع ضمنی، واسطه ای دلالت بر بازگشت از آن دارد. بنابراین اگر فروشنده پیش از خرید اعلام کند که دیگر حاضر به فروش کالای خود نیست، رجوع صریح است، ولی اعلام ایجاب فروش دوم با شرایطی متفاوت نسبت به همان کالا از سوی فروشنده، دلالت ضمنی بر رجوع از ایجاب نخست دارد. (قنوتی و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۳)

برخلاف مقررات ما در ماده ۱۶ کنوانسیون بیع بین المللی کالا، قابل رجوع بودن ایجاب و مواردی که امکان رجوع از آن نیست آمده است. طبق ماده مزبور «(۱) مادام که قرارداد منعقد نشده است، ایجاب قابل رجوع است، به شرطی که رجوع پیش از آنکه مخاطب ایجاب قبولی خود را ارسال دارد به وی برسد. (۲) با این حال در موارد ذیل نمی توان از ایجاب رجوع کرد: (الف) در صورتی که ایجاب به واسطه قید زمان معین جهت قبول آن یا به علت دیگر، حکایت از غیرقابل رجوع بودن داشته باشد. (ب) هرگاه تکیه مخاطب بر ایجاب به عنوان یک ایجاب غیرقابل رجوع، معقول بوده و بر همان اساس عمل کرده باشد»<sup>۱۵</sup>.

در پیش نویس ۱۹۵۴ قاعده حاکم در نظام حقوق نوشته مبنی بر غیرقابل رجوع بودن

ایجاب آمده بود. طی این پیش‌نویس، ایجاب‌کننده در صورتی می‌توانست از ایجاب خود رجوع کند که این حق را برای خود محفوظ داشته باشد. اما پس از فراز و نشیب‌های بسیار، قاعده حاکم در نظام حقوق عرفی، مبنی بر قابل رجوع بودن ایجاب پذیرفته شد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴:۲۰۹). بنابراین بند ۱ ماده پیش‌گفته، حاوی اصل حاکم در نظام حقوق عرفی عدول از ایجاب است و بند ۲ آن، قاعده جاری در کشورهای پیرو نظام حقوق نوشته را بازگو می‌کند. (قنوتی و دیگران، ۱۳۸۹:۲۹ و Marsh, 1993:66) نظر به اینکه طبق ماده مزبور تا زمان بسته شدن قرارداد، امکان رجوع از ایجاب پیش‌بینی شده است لذا ضرورت دارد این هنگام معلوم شود: ماده ۲۳ همان کنوانسیون در این خصوص مقرر می‌نماید «قرارداد از لحظه‌ای که قبول ایجاب مطابق مقررات این کنوانسیون مؤثر می‌گردد منعقد می‌شود»<sup>۱۶</sup> و بر اساس بخشی از بند ۲ ماده ۱۸ کنوانسیون یادشده «قبول ایجاب از لحظه‌ای که اعلام رضا به ایجاب‌کننده می‌رسد مؤثر می‌گردد»<sup>۱۷</sup>. علت وضع ماده ۲۳ با وجود ماده ۱۸ راجع به تعیین زمان قرارداد از آن جهت است که در برخی مواد دیگر کنوانسیون مانند ۴۲، ۵۵، ۶۸، ۷۴، ۷۹ و ۱۰۰ زمان بسته شدن قرارداد آمده که نشان از اهمیت آن دارد. بنابراین پسندیده بود که مقرره‌ای به صراحت، هنگام بسته شدن قرارداد را بیان کند. (Honnold, 1999:200 و جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴:۲۶۷)

نظر به اینکه قابلیت رجوع مربوط به هنگامی است که ایجاب مؤثر گردیده باشد و پیش از آن اثری ندارد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴:۲۰۶) شاید از مقررات فوق چنین برداشت شود که ایجاب‌کننده پیش از رسیدن قبول می‌تواند از پیشنهاد خود رجوع کند، ولی با دقت در قسمت اخیر بند یک ماده ۱۶ معلوم می‌شود رجوع باید پیش از ارسال قبول به مخاطب برسد، در حالی که ارسال قبول، سبب مؤثر گردیدن آن نمی‌شود. لذا این پرسش مطرح می‌شود که چرا چنین مقرره‌ای در کنوانسیون آمده است؟

شارحین کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا پاسخ این پرسش را ناشی از تأثیر نظام حقوق عرفی، به ویژه حقوق انگلیس در کنوانسیون می‌دانند؛ زیرا در این نظام، بر اساس «قاعده صندوق پستی»<sup>۱۸</sup> مقرر شده است با ارسال نامه حاوی قبول، امکان رجوع از ایجاب وجود ندارد (Honnold, 1999:159). استدلالی که قاعده یادشده بر آن استوار است، خارج

کردن مخاطب ایجاب از بلا تکلیفی پس از ارسال قبول تا رسیدن آن به مقصد است. به عبارت دیگر اگر ایجاب کننده، حتی پس از ارسال قبول، بتواند از پیشنهاد خود بازگردد، اتکای زودهنگام و منطقی مخاطب ایجاب را تحت تأثیر قرار داده و موجب سرگردانی او در فاصله زمانی ارسال قبول تا رسیدن آن به مقصد می‌شود. شاید ایراد شود که سلب اختیار رجوع از ایجاب کننده پس از ارسال قبول، سبب مخاطره برای او می‌شود؛ زیرا ممکن است نامه قبولی، دیرهنگام یا هرگز به مقصد نرسد و ایجاب کننده بلا تکلیف بماند، ولی دادگاه‌های انگلیس معتقدند ایجاب کننده برای پیشگیری از این مخاطره می‌تواند در ایجاب خود تصریح کند تا زمانی که قبولی به دست او نرسد ملتزم نمی‌گردد، در حالی که برای پیشگیری از مخاطره قبول کننده، راهی جز ترتیب یادشده وجود ندارد.

(Mulcahy & Tillotson, 2004:78)

از نظر منطقی به محض اینکه دو اعلام اراده موافق به یکدیگر برسند عقد باید تشکیل شود مگر اینکه طرفین به طور صریح یا ضمنی، تشکیل عقد را منوط به اطلاع اعلام کننده اولی از اعلام اراده دومی کرده باشد. (امیری قائم مقامی، ۱۳۷۸: ۲۱۵) هرگاه زمان وقوع عقد، تاریخ اطلاع گوینده ایجاب از مفاد قبول باشد، مسؤلیت دیر رسیدن یا گم شدن نامه قبول به عهده فرستنده است. (کاتوزیان، ۱۳۶۴: ۳۰۳) صرف نظر از نحوه استدلال در نظام حقوق عرفی، نتیجه مزبور در حقوق ایران نیز قابل دفاع است؛ زیرا از هنگام ارسال قبول، قرارداد بسته شده و رجوع از ایجاب منتفی می‌شود. بر اساس مقررات یادشده و برخلاف ظاهر ماده ۱۶ کنوانسیون، رجوع از ایجاب در سه مورد ممکن نیست:

**الف)** هنگامی که پیشنهاد دهنده خود را ملتزم بر نگهداری از ایجاب کند. این استثنا برآیند دیدگاه‌های گوناگون در نظام حقوق نوشته است (Honnold, 1999:160)، ولی پذیرش چنین التزامی در نظام حقوق عرفی، مبتنی بر دکترین عوض<sup>۱۹</sup> است. (Marsh, 1993:58) در حقوق انگلیس، یک تعهد بدون عوض لازم الاجرا نیست. (داکسبری، ۱۳۷۷: ۴۸) به موجب کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، نظریه عوض به منظور بطلان تعهد به نگهداری از ایجاب در دسترس نیست. (Honnold, 1999:159) چنین رویکردی در قانون یکنواخت بازرگانی ایالات متحده آمریکا تصریح شده است<sup>۲۰</sup>. بنابراین

تعهد به نگهداری از ایجاب بدون عوض نیز الزام‌آور است و رجوع از ایجاب را غیرممکن می‌گرداند.

در نظام حقوق عرفی با تفکیک میان رجوع<sup>۲۱</sup> و انقضا<sup>۲۲</sup> معتقدند تعیین یک دوره زمانی برای قبول، فقط حاکی است که در آن اثنا، پیشنهاد مفتوح خواهد بود و بعد از آن منقضی می‌شود. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴: ۲۱۳) در دعوی راتلج<sup>۲۳</sup> مقرر شد که تعهد به مفتوح نگاه داشتن ایجاب برای یک برهه زمانی خاص تنها در صورتی که عوض در برابر آن داده شده باشد الزام‌آور خواهد بود. (داکسبری، ۱۳۷۷: ۳۵) برخلاف دیدگاه مزبور در پاره‌ای از قوانین نوین، ایجاب تا مدتی که اختیار قبول به طرف مقابل می‌دهد، برای ایجاب‌کننده الزام‌آور است و بازگشت از آن اثر ندارد. (کاتوزیان، ۱۳۶۴: ۳۱۰) برای مثال طبق بند یک ماده ۳ قانون تعهدات سوئیس «هرکس به دیگری پیشنهاد عقد قراردادی را، با تعیین مهلتی برای قبول آن، بکند تا پایان مهلت مزبور به پیشنهاد خود پایبند خواهد ماند» (واحدی، ۱۳۷۸: ۱۳) و بر اساس مواد ۱۴۵ تا ۱۴۸ قانون مدنی آلمان، ایجاب موجب التزام می‌شود و ایجاب‌کننده پیش از مهلتی که برای قبول مخاطب تعیین شده یا مهلت معقولی که انتظار می‌رود پاسخ مخاطب را دریافت کند نمی‌تواند از آن بازگردد. (Marsh, 1993: 63) همچنین بند یک ماده ۹۳ قانون مدنی مصر مقرر می‌دارد: «در صورتی که موعدی برای قبول، تعیین شده باشد، ایجاب‌کننده تا زمان انقضای موعد، ملتزم به ایجاب خود است». (نوری، ۱۳۸۸: ۳۲) به موجب کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، اختیار ایجاب با گوینده آن است.<sup>۲۴</sup> اگر ایجاب‌کننده تمایل دارد که تعیین مهلت تنها برای قبول آن باشد و اختیار رجوع از وی سلب نشود باید آن را به وضوح تصریح کند (Honnold, 1999: 163).

در حقوق ما اثر التزام به ایجاب در مهلتی که برای آن تعیین شده اختلافی است: برخی معتقدند هرگاه برای ایجاب، مهلتی معین شده باشد، ایجاب‌کننده متعهد به نگاه داشتن ایجاب خود در آن مدت بوده و این تعهد مبتنی بر قرارداد مقدماتی با مخاطب یا تعهد یک‌طرفی لازم است. حداقل، عدول از ایجاب یک تقصیر مدنی به شمار می‌آید و اگر از آن زبانی به مخاطب رسیده باشد، ایجاب‌کننده مسؤولیت مدنی جبران دارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۹: ۶۶ و جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰: ۳۰۲ و صفایی، ۱۳۸۲: ۷۰ و

امیری قائم‌مقامی، ۱۳۷۸: ۲۲۴). در حقوق فرانسه، علاوه بر مبنای پیش قرارداد صریح یا ضمنی و تقصیر، نظریه سوءاستفاده از حق را نیز مطرح می‌کنند (Marsh, 1993: 60). برخلاف دیدگاه مزبور به نظر می‌رسد قید زمان برای ایجاب به تنهایی سبب لزوم یا عدم رجوع از آن نمی‌شود، بلکه تصریح مدت به منظور تعیین عمر ایجاب بوده و با انقضای آن، ایجاب منتفی و غیرقابل قبول می‌گردد (قنوتی و دیگران، ۱۳۸۹: ۵۵). نمونه بارز تأثیر تصریح به دوره معین زمانی را برگرفته از آرای فقها (حسینی العاملی، ۱۴۱۸: ۶۴۳) می‌توان در ماده ۵۵۲ قانون مدنی ملاحظه کرد که مقرر داشته «هرگاه در مضاربه، برای تجارت، مدت معین شده باشد تعیین مدت، موجب لزوم عقد نمی‌شود لیکن پس از انقضای مدت، مضارب نمی‌تواند معامله بکند مگر به اجازه جدید مالک».

با توجه به اینکه قید زمان برای ایجاب در کنوانسیون بیع بین‌المللی، مثالی برای کشف منظور ایجاب‌کننده بوده و موضوعیت ندارد می‌توان گفت اگر معلوم شود ایجاب‌کننده، قید زمان را نه برای التزام به ایجاب، بلکه به منظور تعیین مدت اعتبار آن تصریح نموده است دیگر نمی‌توان به صرف قید مدت برای ایجاب، آن را غیرقابل رجوع شمرد. شارحین قانون مدنی نیز معتقدند قانونگذار در ماده ۵۵۲ می‌خواهد اراده طرفین را تفسیر کند که منظور آن‌ها لازم ساختن عقد مضاربه نبوده و گرنه در موردی که آنان اعلام کرده باشند که به این وسیله می‌خواهند پیمان خود را تا مدت معین الزام‌آور سازند بی‌اعتنایی به خواسته ایشان با مفاد ماده ۱۰ قانون مدنی مخالف به نظر می‌رسد. (کاتوزیان، ۱۳۶۳: ۱۲۸) چنین التزامی مشروع بوده و فقها شرط عدم فسخ عقد را تا مدت معین، اعم از اینکه در ضمن مضاربه یا عقد خارج لازم باشد، معتبر شمردند. (حسینی السیستانی، ۱۴۳۰: ۱۷۸) گروهی از این هم پیش‌تر رفته و نه تنها ذکر مدت در ضمن عقد جایز را موجب لازم گردیدن آن می‌دانند، بلکه معتقدند علت لزوم عقود مدت‌داری مانند اجاره نیز ناشی از ذکر مدت بوده و اجاره بدون مدت، جایز است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰: ۲۸۲ و ۳۰۰؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲: ۲۲۶).

بنابراین در مقایسه وضعیت کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا با موقعیت مشابه در حقوق ایران، تفاوت در بار اثباتی خواهد بود. این بار در کنوانسیون بر عهده پیشنهاد دهنده است تا ثابت کند در قید زمان معین برای ایجاب، قصد التزام به آن را نداشته و در حقوق ما



بر عهده مخاطب است که ثابت کند ایجاب‌کننده چنین قصدی داشته است. البته به باور برخی، اگر کسی ایجاب را بگوید و برای اظهار قبول به طرف مهلت بدهد در این وضع ایجاب یک ایقاع است و در قرن حاضر به علت کثرت ارتباطات و گسترش روابط بازرگانی، نیاز بشر به آنجا رسیده که تعهد ایجاب‌کننده به صورت تعهد لازم درآید (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۹: ۵۱ و ۹۴). همچنین اساتید حقوق مدنی ما به استناد عرف دادوستدها معتقدند تعیین مهلت برای ایجاب، ظهور در این دارد که پیشنهادکننده می‌خواهد تا پایان مهلت بر گفته خویش پایبند باشد (کاتوزیان، ۱۳۶۴: ۳۱۸ و ۳۲۸)، با پذیرش این دیدگاه تفاوت در بار اثباتی نیز منتفی خواهد بود.

ب) هنگامی که مخاطب به نحو معقولی بر ایجاب اتکا کرده و عملی انجام داده باشد، لذا صرف اتکای معقول بر ایجاب، موجب عدم امکان رجوع از آن نمی‌شود. این استثنا بر اصل قابل رجوع بودن ایجاب، مبتنی بر دکترین اعتماد<sup>۲۵</sup> در بستن قرارداد است. این نظریه در صدد است انتظارات مشروع یک طرف منصف و با صلاحیت را از خدعه‌های غیرمترقبه حفظ کند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴: ۲۱۸).

وقتی که ایجاب به طرف دیگر می‌رسد و او از وجود پیشنهاد آگاه می‌شود، آنچه تاکنون پنهانی و درونی بود به اجتماع راه پیدا می‌کند. مخاطب ایجاب درباره آن می‌اندیشد و ممکن است تمهید مقدماتی کند. اکنون ایجاب به حقوق او ارتباط دارد و بازگشت از آن می‌تواند موجب زیان شود. مخاطب ایجاب ممکن است وضع تجارتي خود را با پیشنهاد رسیده تنظیم و آماده معامله شود. سایر پیشنهادها همانند را به اعتماد آنچه در دست دارد رد کند. برای انجام تعهدهای آینده سفارش‌هایی بدهد یا از بانک وام بگیرد. حال اگر ایجاب‌کننده از پیشنهاد خود بازگردد زبانی ناروا به مخاطب می‌رسد و روح اعتماد که جوهر دادوستد است کنار می‌رود. در رویارویی با چنین وضعی، دو دیدگاه وجود دارد: نخست آنکه ایجاب‌کننده مجاز به بازگشت از ایجاب نباشد. دیگر آنکه اجازه بازگشت از ایجاب را داشته، ولی ملزم به جبران زیان مخاطب باشد. (Honnold, 1999: 166 و کاتوزیان، ۱۳۶۴: ۳۰۷) کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا راه نخست را برگزیده است.

ج) موردی که باید به دو مورد تصریح شده در ماده ۱۶ کنوانسیون افزود، هنگامی است که مخاطب ایجاب، اقدام به ارسال قبول کرده، هرچند هنوز قبولی به نشانی ایجاب‌کننده نرسیده و قراردادی تشکیل نشده باشد. چنان‌که توضیح داده شد در این مورد، ایجاب مؤثر بوده و علی‌القاعده چون هنوز قراردادی تشکیل نشده باید امکان رجوع وجود می‌داشت، ولی بنا بر مصالحی که پیش‌تر در نظام حقوق عرفی تحت قاعده صندوق پستی توضیح داده شد و کنوانسیون آن را پذیرفت، ایجاب‌کننده نمی‌تواند از ایجاب خود رجوع کند.

اگر ایجاب‌کننده در یکی از وضعیت‌هایی که اختیار بازگشت از ایجاب را ندارد از آن رجوع کند اثر نداشته و همچنان ایجاب می‌تواند مورد قبول مخاطب قرار گیرد. در این صورت قرارداد تشکیل می‌شود و اظهار عدم اجرای آن از سوی ایجاب‌کننده ممکن است منطبق بر ماده ۲۵ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا نقض اساسی شمرده شود و مخاطب ایجاب بر اساس ماده ۷۲ همان کنوانسیون ادعای جبران کند. (طالب احمدی، ۱۳۹۳:۱۱۱) در حقوق آلمان و فرانسه، امکان الزام به اجرای عین قرارداد نیز وجود دارد. (Marsh, 1993:66)

##### ۵. انصراف از ایجاب

برخلاف سکوت قانون مدنی، همانند رجوع از ایجاب، انصراف از ایجاب نیز در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا دارای مقررات ویژه است. طبق بند ۲ ماده ۱۵ آن کنوانسیون «ایجاب حتی در صورتی که به نحو غیرقابل رجوع باشد، قابل انصراف است، مشروط بر اینکه اعلام انصراف، پیش از وصول یا هم‌زمان با آن به اطلاع مخاطب ایجاب برسد».<sup>۲۶</sup> کنوانسیون در این زمینه به موضع حقوق آلمان نزدیک می‌شود؛ زیرا در قانون مدنی آن کشور نیز به صراحت پیش‌بینی شده است که حتی اگر ایجاب غیرقابل رجوع باشد، پیش از رسیدن به مخاطب، قابل انصراف است. (Marsh, 1993:66 & Schlechtriem, 1986:52)

واژه انصراف تا زمانی که ایجاب مؤثر گردد به کار می‌رود و پس از مؤثر گردیدن ایجاب از اصطلاح رجوع استفاده می‌شود. پیش‌بینی رجوع از ایجاب در ماده ۱۶ و

انصراف از آن در ماده ۱۵ کنوانسیون، نشان از تفاوت دو گونه بازگشت از ایجاب دارد. بنا بر تفاوت انصراف و رجوع، مقرر بند ۲ ماده ۱۵ در قابل انصراف بودن ایجاب غیرقابل رجوع، تعارضی با اصل قابل رجوع بودن ایجاب ندارد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴: ۲۰۵) استفاده انصراف به جای رجوع در آثار فقهی، نشان از عدم تفاوت میان دو گونه بازگشت از ایجاب در آراء فقها دارد. (حسینی سیستانی، ۱۴۳۰: ۲۲) برخی از اساتید حقوق مدنی ما نیز بر همین سیاق، بدون توجه به تفاوت میان رجوع و انصراف از ایجاب به شرح مواد کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا پرداخته و با همین پیش فرض، میان بند ۲ ماده ۱۵ با بند ۱ و ۲ ماده ۱۶ اعلام تعارض می‌نمایند. به عقیده ایشان در بند ۲ ماده ۱۵ رجوع از ایجاب می‌تواند پیش از وصول یا هم‌زمان با وصول ایجاب به مخاطب اعلام شود. مفهوم آن این است که رجوع از ایجاب بعد از وصول آن به مخاطب ایجاب، حتی پیش از ارسال قبول مخاطب ممکن نیست در صورتی که در بند ۱ ماده ۱۶ کنوانسیون اعلام شده است که رجوع از ایجاب تا زمان ارسال قبول مخاطب ایجاب ممکن است. همچنین در بند ۲ ماده ۱۵ ایجاب حتی اگر غیرقابل رجوع باشد، قابل انصراف است در صورتی که مطابق بند ۲ ماده ۱۶ اگر ایجاب به هر علت غیرقابل رجوع باشد یا حتی اگر مخاطب به طور معقول آن را غیرقابل رجوع بداند غیرقابل رجوع است. (شهیدی، ۱۳۷۷: ۲۱۴) با دقت در این عبارات ملاحظه می‌شود که هر دو تعارض اعلامی، ناشی از عدم توجه به تفاوت گونه‌های بازگشت از ایجاب است. به عبارت دیگر موضوع بند ۲ ماده ۱۵ انصراف از ایجاب است در حالی که ماده ۱۶ مربوط به رجوع از ایجاب است.

کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا میان رجوع و انصراف از ایجاب تفاوت گذاشته و بازگشت از ایجاب را به گونه «رجوع» یا «انصراف» پیش‌بینی می‌نماید. (Schlechtriem, 1986: 52) در این راستا برای رجوع از واژه Revocation و برای انصراف از واژه Withdrawal در کنوانسیون استفاده شده است. همه زبان‌ها دو اصطلاح خاص برای رسانیدن این دو مفهوم را در دسترس ندارند و این ممکن است سبب بروز مشکلاتی شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴: ۲۰۷)، ولی در زبان ما چنین ظرفیتی وجود دارد. عدم توجه در به‌کارگیری الفاظ مزبور به معنای دقیق آن‌ها اختصاص به ادبیات حقوقی ما نداشته و در برخی متون حقوقی بیگانه نیز با وجود ظرفیت مزبور، دو لفظ

یادشده به جای یکدیگر استفاده می‌شوند. (Marsh, 1993:58)

برخی نویسندگان، قدر جامع میان رجوع و انصراف از ایجاب را «استرداد» نامیده و با خرده گرفتن از کسانی که بازگشت از ایجاب را پیش از وصول، انصراف می‌نامند دوباره پیشنهاد استرداد را برای انصراف مطرح نمودند. (صفایی، ۱۳۸۴: ۷۳) با توجه به ظرفیت زبان ما به نظر می‌رسد «بازگشت از ایجاب» برای اطلاق بر هر دو گونه، پسندیده‌تر از استرداد است. در کتب لغت نیز معنی بازگشت برای هر دو واژه انصراف و رجوع آمده (عمید، ۱۳۶۷: ۲۴۵ و ۶۹۳) در حالی که استرداد به معنی داده را واپس خواستن (عمید، ۱۳۶۷: ۱۶۴) چندان تناسبی با مفهوم مورد نظر ندارد.

در بند ۲ ماده ۱۵ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، امکان انصراف از ایجاب، پیش از وصول یا هم‌زمان با رسیدن ایجاب به مخاطب، مجاز شمرده شده است. با توجه به بند یک همان ماده که ایجاب را از هنگام وصول مؤثر می‌شناسد، چنین نتیجه می‌شود که انصراف از ایجاب، پیش از مؤثر گردیدن آن ممکن بوده و پس از آن، بازگشت از ایجاب در قالب رجوع قرار می‌گیرد. این دقت در آثار برخی از اساتید ما دیدنی است چنان‌که آورده‌اند: «تا لحظه اعلام پیشنهاد می‌توان از آن منصرف شد». (کاتوزیان، ۱۳۶۴: ۳۰۷)

معمولاً در ادبیات ما واژه «انصراف» در مورد بازگشت از تصمیم متداول است. بنابراین اگر شخصی تصمیم به انجام کاری گرفته و پیش از عمل به آن، پشیمان شود، منصرف شناخته می‌شود. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت انصراف از ایجاب، مربوط به هنگامی است که ایجاب‌کننده تصمیم به انشای ایجاب گرفته است و پیش از اجرای آن از تصمیم مأخوذه باز می‌گردد. در این صورت می‌توان گفت وی از ایجاب انصراف داده است. در معاملات از راه دور که به عقود مکاتبه‌ای معروف شده اگر شخصی تصمیم به انجام معامله با دیگری بگیرد و متن حاوی ایجاب را نیز تهیه کند، ولی پیش از ارسال نامه پشیمان شود انصراف از ایجاب، مصداق پیدا می‌کند.

شاید بر دیدگاه مزبور خرده گرفت؛ زیرا با تصمیم بر ایجاب، هنوز ایجابی انشا نشده تا انصراف از آن معنی پیدا کند. ولی صرف نظر از گفتار برخی حکیم، آنکه مرحله تصمیم و رضا را «اراده و قصد» نامیده‌اند (قنواتی و دیگران، ۱۳۷۹: ۲۲۷) می‌توان گفت تصمیمی که به نحو مزبور اتخاذ شده، با قدری مسامحه، ایجابی غیرمؤثر است. چنان‌که

در ادبیات حقوقی ما نیز گفته می‌شود اگر ایجاب ارسال شود مؤثر و قابل قبول می‌گردد در حالی که پیش از ارسال هنوز ایجابی انشا نشده تا به این نام خوانده شود. به نظر می‌رسد سختگیری در نام‌گذاری تصمیم به ایجاب، ناروا است و مشابه چنین تسامحی را در مواد قانون مدنی نیز می‌توان یافت. برای مثال، عقد هبه از جمله عقود عینی است. برای تشکیل آن، علاوه بر ایجاب واهب و قبول متهب، قبض نیز جزء اسباب تملیک و ادامه عمل ارادی است. (کاتوزیان، ۱۳۶۳: ۳۸۶) بنابراین اگر عمل حقوقی مزبور، فاقد هر یک از ارکان سه‌گانه ایجاب، قبول و قبض باشد، هبه شکل نمی‌گیرد. ماده ۷۹۸ قانون یادشده در این راستا مقرر می‌دارد «هبه واقع نمی‌شود مگر با قبول و قبض متهب اعم از اینکه مباشر قبض، خود متهب باشد یا وکیل او و قبض بدون اذن واهب اثری ندارد». آوردن قبض در ردیف قبول نیز نشان می‌دهد که قبض، داخل در مفهوم عقد و از عناصر آن است. (کاتوزیان، ۱۳۶۳: ۳۷۳) با این حال، ماده ۸۰۲ همان قانون مقرر می‌دارد: «اگر قبل از قبض، واهب یا متهب فوت کند هبه باطل می‌شود». در این ماده منظور از هبه، همان توافق واهب و متهب است که هر چند بنیان هبه را تشکیل می‌دهد، ولی بدون قبض، اثر ندارد.<sup>۲۷</sup> بنابراین، با دقت حقوقی نباید چنین توافقی را هبه نامید. (عدل، ۱۳۷۳: ۳۹۴)

#### ۶. نتیجه‌گیری

هر پیشنهاد انجام معامله با دیگری، ایجاب نیست، بلکه پیشنهاد اعم از ایجاب است. ایجاب عبارت است از پیشنهاد انجام معامله با دیگری که پیشنهادکننده در صورت قبول مخاطب، خود را ملتزم بر مفاد آن بدانند. ایجابی که با قبول، منجر به تشکیل قرارداد شود، ایجاب مؤثر بوده و در غیر این صورت، ایجاب غیرمؤثر خوانده می‌شود. ایجاب مؤثر تا هنگامی که مورد قبول قرار نگرفته باشد و ایجاب غیرمؤثر، قابل بازگشت است. بازگشت از ایجاب مؤثر را رجوع از ایجاب و بازگشت از ایجاب غیر مؤثر را انصراف از آن می‌نامند. اصطلاح رجوع و انصراف از ایجاب در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا شناخته شده است، ولی در حقوق ایران چنین تفکیکی دیده نمی‌شود. گاهی این دو واژه که بار معنایی متفاوتی دارند به جای هم استفاده یا برداشت شده و منجر به نتایج نادرستی

می‌شود. به نظر می‌رسد در ادبیات حقوقی ما بازگشت از تصمیم ایجاب را بایستی انصراف از ایجاب و بازگشت از ایجاب پس از انشای آن را رجوع از ایجاب نامید مگر آنکه به دلیل تعلیق ایجاب بر رخدادی در آینده یا تعیین اجل برای قابل قبول گردیدن آن، غیر مؤثر باشد که بازگشت از ایجاب را علی‌رغم انشای آن در فروض مزبور باید انصراف شناخت. نظر به اینکه انصراف از ایجاب در زمانی رخ می‌دهد که ایجاب تأثیرگذار نیست، لذا محدودیت ندارد. اما التزام ایجاب‌کننده به انشای خود، آن را غیرقابل رجوع می‌گرداند. چنین التزامی می‌تواند صریح یا ضمنی باشد. علاوه بر مورد پیش گفته، اتکای مخاطب بر ایجاب و عمل بر اساس آن در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا از مصادیق ایجاب غیرقابل رجوع شناخته شده است.

#### پی‌نوشت‌ها

<sup>۱</sup> - United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods.(CISG)

<sup>۲</sup> - Formation of the contract.

<sup>۳</sup> - (1) A proposal for concluding a contract addressed to one or more specific persons constitutes an offer if it is sufficiently definite and indicates the intention of the offer or to be bound in case of acceptance. A proposal is sufficiently definite if it indicates the goods and expressly or implicitly fixes or makes provision for determining the quantity and the price. (2) A proposal other than one addressed to one or more specific persons is to be considered merely as an invitation to make offers, unless the contrary is clearly indicated by the person making the proposal.

<sup>۴</sup> - Proposal.

<sup>۵</sup> - Offer.

<sup>۶</sup> - Carhill.

<sup>۷</sup> - ماده ۶۵۶ قانون مدنی: وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین، طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود می‌نماید.

<sup>۸</sup> - An offer becomes effective when it reaches the offeree.

<sup>۹</sup> - در توجیه عدم تأثیر قبول موصی له در حال حیات موصی اختلاف است: برخی علت عدم تأثیر قبول را ناشی از عدم تطابق با ایجاب می‌دانند؛ زیرا ایجاب وصیت برای بعد از فوت انشا شده و قبول در زمان حیات موصی به مانند قبول پیش از ایجاب است. گروهی منظور از عدم تأثیر قبول را اثر خاص آن یعنی نقل ملک می‌دانند و معتقدند قبول در زمان حیات موصی سبب انتقال مالکیت موصی به نمی‌شود. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به محمدجواد حسینی العاملی، مفتاح الکرامه، بیروت: دارالتراث، ۱۴۱۸، جلد ۱۹، صفحه ۶۲۰ به بعد.

<sup>۱۰</sup> - Système de La réception. (Fr)

<sup>۱۱</sup> - An acceptance of an offer becomes effective at the moment the indication of assent reaches the offeror.

<sup>۱۲</sup> - For the purposes of this Part of the Convention, an offer, declaration of acceptance or any other indication of intention "reaches" the addressee when it is made orally to him or delivered by any other means to him personally, to his place of business or mailing address or, if he does not have a place of business or mailing address, to his habitual residence.

<sup>۱۳</sup> - ماده ۳۵۸ قانون تجارت: جز در مواردی که به موجب مواد ذیل استثنا شده مقررات راجعه به وکالت در حق‌العمل کاری نیز رعایت خواهد شد.

<sup>۱۴</sup> - عمل به مورد وکالت باید بعد از تمامیت عقد وکالت باشد. لذا قبول وکالت نمی‌تواند با انجام مورد آن محقق شود، ولی درصدد انجام مورد وکالت برآمدن را می‌توان قبول وکالت شمرد. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به سید محمدکاظم طباطبایی یزدی، سؤال و جواب، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۷۶، صفحه ۳۳۱.

<sup>۱۵</sup> - (1) Until a contract is concluded an offer may be revoked if the revocation reaches the offeree before he has dispatched an acceptance. (2) However, an offer cannot be revoked: (a) if it indicates, whether by stating a fixed time for acceptance or otherwise, that it is irrevocable; or (b) if it was reasonable for the offeree to rely on the offer as being irrevocable and the offeree has acted in reliance on the offer.

<sup>۱۶</sup> - A contract is concluded at the moment when an acceptance of an offer becomes effective in accordance with the provisions of this Convention.

<sup>۱۷</sup> - An acceptance of an offer becomes effective at the moment the indication of assent reaches the offeror.

<sup>۱۸</sup> - Postal-Box Rule.

<sup>۱۹</sup> - Consideration Doctrine.

<sup>۲۰</sup> - Section 2-205. Firm Offers: "An offer by a merchant to buy or sell goods in a signed writing which by its terms gives assurance that it will be held open is not revocable, for lack of consideration, during the time stated or if no time is stated for a reasonable time, but in no event may such period of irrevocability exceed three months; but any such term of assurance on a form supplied by the offeree must be separately signed by the offeror."

<sup>۲۱</sup> - Revocation.

<sup>۲۲</sup> - Lapse.

<sup>۲۳</sup> - *Routledge v. Grant* (1828).

<sup>۲۴</sup> - Offeror is "master of its offer".

<sup>۲۵</sup> - Reliance Doctrine.

<sup>۲۶</sup> - An offer, even if it is irrevocable, may be withdrawn if the withdrawal reaches the offeree before or at the same time as the offer.

<sup>۲۷</sup> - بند ۲ ماده ۴۸۸ قانون مدنی مصر تحقق هبه را منوط به قبض کرده ولی برخلاف حقوق مدنی ما که واهب را حتی پس از قبول، ملتزم به قبض دادن عین موهبه نمی‌داند در ماده ۴۹۳ همان قانون مقرر می‌دارد: «هرگاه متهب، مال موهبه را قبض نکرده باشد، واهب متعهد به تسلیم آن به متهب است».

## منابع

## الف. فارسی:

- اسماعیلی، محسن (۱۳۷۷)، «ایجاب و زوال آن از دیدگاه فقه و حقوق تطبیقی و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا»، مجله مدرس علوم انسانی، شماره ۹، زمستان ۱۳۷۷، ۷۵-۱۰۰
- امیری قائم‌مقامی، عبدالمجید (۱۳۷۸). حقوق تعهدات. ج ۲، تهران: نشر میزان.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۹). حقوق تعهدات. ج ۱، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۰). فلسفه حقوق مدنی. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۲). صد مقاله در روش تحقیق علم حقوق. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۷۴). تفسیری بر حقوق بیع بین‌المللی - کنوانسیون ۱۹۸۰ وین. (ج ۱). ترجمه: مه‌راب داراب پور، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- داکسبری، رابرت (۱۳۷۷). مروری بر حقوق قراردادها در انگلستان. ترجمه و توضیحات حسین میر محمدصادقی، تهران: نشر حقوقدان.
- شهیدی، مهدی (۱۳۷۷). تشکیل قراردادها و تعهدات. تهران: نشر حقوقدان.
- صفایی، سیدحسین (۱۳۸۲). دوره مقدماتی حقوق مدنی. (ج ۲). تهران: نشر میزان.
- صفایی، سیدحسین و دیگران (۱۳۸۴). حقوق بیع بین‌المللی با مطالعه تطبیقی. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- طالب احمدی، حبیب (۱۳۹۰)، «ماهیت حقوقی وصیت تملیکی در فقه و حقوق ایران»، مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال سوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۹۰، ۱۳۴-

- طالب احمدی، حبیب (۱۳۹۳)، «نقض اساسی قرارداد در معاهده بیع بین‌المللی کالا»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ششم، شماره اول، بهار ۱۳۹۳، ۱۴۶-۱۱۱
- طالب احمدی، حبیب (۱۳۹۲). مسؤلیت پیش قرارداد. تهران: نشر میزان.
- طباطبایی یزدی، محمدکاظم (۱۳۷۶). سؤال و جواب، به اهتمام دکتر مصطفی محقق داماد.



تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

عدل، مصطفی (۱۳۷۳). *حقوق مدنی*. قزوین: انتشارات بحرالعلوم.

عمید، حسن (۱۳۶۷). *فرهنگ فارسی عمید*. تهران: انتشارات امیرکبیر.

قاسمی حامد، عباس (۱۳۸۷). *حقوق مدنی، شرایط اساسی شکل‌گیری قرارداد*. تهران: انتشارات دراک.

قنواتی، جلیل (۱۳۸۶)، «نظریه ایجاب ملزم در آیین تطبیق»، *مجله مطالعات اسلامی*، شماره ۷۷، پاییز ۱۳۸۶، ۱۷۹-۱۵۷

قنواتی، جلیل و دیگران (۱۳۷۹). *حقوق قراردادها در فقه امامیه*. (ج ۱). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.

قنواتی، جلیل و دیگران (۱۳۸۹). *حقوق قراردادها در فقه امامیه*. (ج ۲). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۳). *حقوق مدنی (مشارکت‌ها، صلح، عطایا)*. تهران: اقبال.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۴). *حقوق مدنی - وثیقه‌های دین (عقود معین ۳)*. تهران: انتشارات به نشر.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۴). *قواعد عمومی قراردادها*. (ج ۱). تهران: انتشارات به نشر.

کاشانی، محمود (۱۳۸۸). *حقوق مدنی: قراردادها و ویژه*. تهران: نشر میزان.

کامیار، محمدرضا (۱۳۷۷). *گزیده آرای دادگاه‌های حقوقی*. تهران: نشر حقوقدان.

نوری، محمدعلی (۱۳۸۸). *ترجمه قانون مدنی مصر*. تهران: گنج دانش.

واحدی، جواد (۱۳۷۸). *ترجمه قانون تعهدات سوئیس*. تهران: نشر میزان.

#### ب. عربی:

حسینی السیستانی، سیدعلی (۱۴۳۰). *منهاج الصالحین*. (ج ۲). بغداد: دارالبذر.

حسینی العاملی، محمدجواد (۱۴۱۸). *مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه*. (ج ۱۶، ۸

و ۱۹). بیروت: دارالتراث.

ج. انگلیسی

- Marsh, P.D.V. (1993). **Comparative Contract Law**, Gower Publishing, Hampshire.
- Honnold, John (1999). **Uniform Law for International Sales under the 1980 United Nations Convention**. 3rd ed., Kluwer Law International, The Hague: n. 4;<http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/honnold.html>.
- Lookofsky, Joseph (2012). **The 1980 United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods**. Kluwer Law International, The Netherlands.
- Mulcahy, Linda & John, Tillotson (2004). **Contract Law in Perspective**. Cavendish Publishing Limited, London.
- Schlechtriem, Peter (1986). **Uniform Sales Law - The UN-Convention on Contracts for the International Sale of Goods**. Manz, Vienna  
<http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/schlechtriem-25.html>.